

تأملاتی نظری در مورد دموکراسی در ایران کنونی

حمیدرضا جلاتی پور

چکیده

در این مقاله جهت درک و تبیین دموکراسی خواهی ایرانیان یک "طرح نظری" پیشنهاد شده است. این طرح نظری علل ساختاری را برای تبیین دموکراسی کافی ندانسته و تکیه بر علل "ارادی" را برای توضیح دموکراسی لازم می‌داند. از اینرو این مقاله ابتدا کوشش کرده علل معرفی شده در نظریه‌های جامعه‌شناختی دموکراسی را معرفی کند؛ سپس با الهام از روش‌شناسی ریمون بودون و بر مبنای یک رویکرد ترکیبی - با تفکیک علل ساختاری - زمینه‌ای از علل ارادی و مؤثر، طرح نظری خود را معرفی کند. هدف از این "طرح نظری" یافتن پاسخی روشن درباره روند دموکراسی خواهی ایرانیان است.

واژگان کلیدی: دموکراسی، طرح نظری، علل ساختاری، علل ارادی، فرصت سیاسی، سازماندهی جمعی و اراده مصمم.

مقدمه

در یکصد سال گذشته در میان اقشار متوسط جدید شهری ایران، کوشش برای استقرار دموکراسی در جریان بوده است. در زمان انقلاب مشروطه (۱۲۸۵) که اندازه اقشار متوسط جدید کوچک بود، دموکراسی خواهی ایرانیان خود را با استقرار حکومت مشروطه، در نهضت ملی (۳۲-۱۲۳۷) با استقرار دولت مصدق و در انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) با استقرار جمهوری اسلامی، نشان داد. در دوم خرداد ۱۳۷۶، با شروع کار دولت خاتمی در حالی که اقشار متوسط جدید پیکره اصلی شهرهای ایران را تشکیل می دادند، دموکراسی خواهی ایرانیان اوج بیشتری گرفت و خود را در قالب یک جنبش اجتماعی به نمایش گذاشت (جلانی پور ۱۳۸۱: ۲۴۳-۱۹۵). با اینهمه، هنوز اجرای مؤلفه‌های یک دموکراسی پارلمانی^۱ در ایران با مشکل روبرو است. از این رو، سؤال از اینکه چرا به رغم اینهمه کوشش، تاکنون دموکراسی خواهی ایرانیان به نتیجه نرسیده، سؤال با ارزشی است. هدف این مقاله پیشنهاد یک "طرح نظری" (و تبیینی) برای پاسخ به این سؤال از منظر جامعه‌شناسی سیاسی است.

طرح نظری

کدام نظریه از نظریه‌های جامعه‌شناسی سیاسی تبیین کننده سؤال فوق است؟ تقریباً هیچ‌کدام از نظریه‌ها بطور مستقیم پاسخگوی سؤال مقاله نیست. اغلب نظریه‌های موجود، بیشتر به صورتی توصیفی (نه تحلیلی) به توضیح علل تکوین دموکراسی می‌پردازند، هر کدام هم بر یکدسته علت بیش از سایر علل تأکید می‌کنند. حتی این نظریه‌ها ادعا نمی‌کنند که اگر علل مورد تأکیدشان حاضر باشد حتماً دموکراسی محقق خواهد شد. بعنوان نمونه در نظریه‌های جامعه‌شناسان بنیانگزار مانند آلکسیس

۱. ویژگی اصلی دموکراسی پارلمانی فقط سازوکار انتخاباتی مبتنی بر برابری سیاسی و رأی اکثریت شهروندان نیست. ویژگی‌های دیگر عبارتند از: امکان تداوم فعالیت گروههایی که در انتخابات شکست می‌خورند؛ آزادی مطبوعات (و آزادی فعالیت سازمانهای غیر دولتی)؛ حقوق بشر مخدوش نشود؛ امنیت عرصه عمومی توسط دولت و دستگاه قضایی مستقل برقرار شود. با اینکه در نظریه‌پردازی‌های دموکراسی، هر کدام برای ویژگی‌های مذکور وزن خاصی قائل‌اند، اما اغلب این نظریه‌ها بر سازوکار انتخاباتی آزاد و منصفانه، بعنوان شاخه‌شده‌ترین ویژگی دموکراسی، تأکید دارند (هلد ۱۳۷۸: ۴۳۸-۴۰۳).

توکویل عامل جنبش آزادیخواهی و در نزد کارل مارکس عامل ظهور طبقه صنعتی بورژوا از عوامل تعیین کننده ظهور دموکراسی است (باتی مور ۱۳۶۶: ۲۵-۹). با اینهمه جامعه‌شناسی سیاسی امروز ادعا نمی‌کند که یکی یا هر دوی این عوامل در جامعه موجب بروز دموکراسی خواهد شد (نش ۱۳۸۰: ۴۹-۱۹). برای گریز از این مشکل (یعنی عدم امکان پاسخی روشن در توجیه چرایی عدم تحقق دموکراسی) یک پاسخ ساده و به ظاهر فاضلانه وجود دارد و آن اینکه بگوئیم: دموکراسی فرآیندی فوق‌العاده پیچیده است که تمام علل وقوع آن قابل احصا نیست. اشکال این نوع پاسخ‌گویی این است که هر کس با اتکا به آن می‌تواند هرگونه پاسخ نظری درباره دموکراسی را بی‌فایده قلمداد کند. به بیان دیگر در این‌گونه پاسخ‌های مبهم، گویی از نظریه‌های جامعه‌شناسی کمکی عاید جستجوگران دموکراسی نمی‌شود. این نوشته با دوری از پاسخ‌گویی مبهم و بی‌خاصیت معتقد است: اگرچه انتظار یک پاسخ کمی و زمان‌بندی‌پذیر از نظریات درست نیست، اما اتفاقاً مروری بر نظریه‌های دموکراسی، ما را قادر به تهیه یک "طرح نظری" می‌کند - طرحی که به فهم وضع دموکراسی در ایران یاری می‌رساند.

۱- منظور از "طرح نظری" چیست؟ اول، منظور همان "چارچوب نظری" است که معمولاً محقق آگاهانه برای پاسخ به سؤال خود در نظر می‌گیرد. دوم، الگوی روش‌شناسی که در طرح نظری این مقاله از آن الهام گرفته شده، الگوی ریمون بودون است. او در بحث تبیین جامعه‌شناختی پدیده‌های منحصر بفرد، در پاسخ به این سؤال (سؤالی از نوع سؤال این مقاله) که: چرا در آمریکا سوسیالیسم وجود ندارد، یک مدل ساده نظری را که مبتنی بر رابطه متقابل چند علت (از میان علل گوناگونی که معمولاً مورخین مطرح می‌کنند) پیشنهاد می‌کند (بودون ۱۳۶۴: ۴۸-۴۱). سوم، نگارنده در طرح نظری خود فقط از لحاظ روش‌شناختی به بودون تاسی کرده ولی در گردآوری علل تبیین‌کننده دموکراسی خود را به نظریه‌های دموکراسی که به روش‌شناسی بودون نزدیک‌اند، محدود نکرده است. چهارم، این طرح نظری نگاهش به علل، نگاهی ترکیبی است اما در این نگاه ترکیبی با نزدیکی به نظریه "بسیج منابع" (تیلی ۱۹۷۸) علل ساختاری و ارادی را تفکیک کرده است. این تفکیک در علل باعث می‌شود که طرح نظری پیشنهادی مبهم و چند پهلو نباشد. پنجم، ملاحظاتی که ذکر شد تنها بیان‌کننده نحوه شکل‌گیری طرح نظری این نوشته است اما میزان کارایی این طرح در تفسیر دموکراسی ایران بستگی به این دارد که این طرح تا چه حد در برابر نقد و بررسی در عرصه عمومی و در برابر مطالعات تجربی دقیق‌تر، تاب استنادگی داشته باشد.

این "طرح نظری" دربرگیرنده چه عللی است؟ نظریه‌های دموکراسی را اگر از زاویه تبیینی^۱ مرور کنیم حداقل هجده علت را در تکوین دموکراسی می‌توانیم فهرست کنیم که در جدول نشان داده

نوع علتها	شماره	علل پیشنهادی در نظریه‌ها	وضعیت علل در ایران		
			نظریه پردازهای مشهور	فائد	ضعیف متوسط
علل زمینه‌ای در سطح لایه‌های زیرین جامعه	۱	حداقلی از تمایزبایی اجتماعی در سطح نهادهای مختلف جامعه و در سطح نقشهای افراد (یا گسترش تقسیم کار اجتماعی)	دورکیم		+
	۲	رشد افشار متوسط شهری (که در ادبیات کلاسیک جامعه‌شناسی از آن به عنوان رشد بورژوازی صنعتی یاد می‌شود).	مارکس، وبر، دورکیم		
	۳	تا حدودی سطح معیشت مردم توسعه یافته باشد (به اصطلاح تا حدودی بخشهای صنعتی و خدماتی بر بخش کشاورزی غلبه داشته باشند).	دورکیم، وبر		+
	۴	رشد فزاینده شهروندان مدنی و دموکرات.	پوپر، هایک		+
	۵	ظهور مشارکت زنان در عرصه عمومی	گیدنز		+
	۶	گسترش رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی غیر حکومتی	هایرماس		+
علل زمینه‌ای در سطح جامعه مدنی	۷	رشد عقلانیت انتقادی - علمی در مقایسه با عقلانیت مبهم و مبتنی بر طبیعت شناسی فلسفی	وبس، هایرماس		+
	۸	رشد عرصه عمومی نقد و بررسی (امکان کنکاش عمومی)	هایرماس، میلر		+
	۹	برتری گفتمان دموکراسی نسبت به سایر گفتمان‌های رقیب مثل ناسیونالیسم، فاشیسم، بنیادگرایی	گیدنز		
	۱۰	رشد فرهنگ سیاسی دموکراتیک در مقایسه با فرهنگ پدرسالاری	وبر		+
	۱۱	رشد سازمانهای غیر دولتی در مقایسه با نهادهای قدیمی مستقل از حکومت	هایرماس، میلر		+
علل زمینه‌ای در سطح جامعه سیاسی و دولت	۱۲	پختگی مراجع و روحانیان بلند مرتبه در تعیین تکیه‌گاه اصلی نهادهای دینی، اینکه به دولت متکی باشند یا به جامعه.	روشنفکران دینی		+
	۱۳	قانون اساسی یکدست و متکی بر حاکمیت مردم و مبتنی بر حقوق بشر (که بر اساس آن بتوان انتخابات آزاد، منصفانه و مؤثر انجام داد، حقوق افراد و اقلیت‌ها مخلوش نشود، و قانون خلاف حقوق بشر تصویب نشود).	مونتسکیو، لاک، توکویل		+
	۱۴	بی‌طرفی ایدئولوژیک دولت و امکان رقابت ایدئولوژی‌های رقیب (سیستم رقابتی حزبی)	وبر، دال		+
	۱۵	دولت برای ادوازه و هزینه دستگاه بوروکراسی‌اش عمدتاً به مالیات نیاز داشته باشد (نه اینکه عمدتاً به منابع و انسی مثل نفت تکیه داشته باشد).	اسکاچپول		+
علل مؤثر	۱۶	موقعیت مناسب بین‌المللی (مثل موقعیت پسر از دوران جنگ سرد)	اسکاچپول		
	۱۷	حضور نخبگان سیاسی دموکرات در حکومت و میزان آمادگی حکومت در دادن امتیاز به علاقمندان دموکراسی	تیلی		+
	۱۸	فرصت مناسب سیاسی و توانایی علاقمندان به دموکراسی در استفاده از آن	تیلی		+

۱- در هر نگاه تبیینی از علل، چگونگی و پیامدهای پدیده مورد بررسی بحث می‌شود، اما این مقاله، تبیین دموکراسی در ایران را فقط از زاویه "علل" پی‌گیری می‌کند.

شده است. اگر در طرح نظری خود بخواهیم از علل معرفی شده در این جدول استفاده کنیم حداقل توجه به پنج نکته ضروری است. اول، فهرست این علل بسته نیست. هرچه بیشتر درباره دموکراسی مطالعه شود این فهرست می‌تواند کم و زیاد شود. دوم، اینطور نیست که در دموکراسی‌های موجود تمام این علل بطور کامل وجود داشته باشند و در جوامعی که هنوز دموکراسی تثبیت نشده هیچکدام از این علل وجود نداشته باشد. سوم، بسته به جامعه مورد مطالعه بعضی از این علل نقش "علل ساختاری" دارند (بدین معنا که حضور آنها در جامعه برای دموکراسی لازم است. اما صرف حضور علل ساختاری لزوماً به استقرار دموکراسی منجر نمی‌شود) و بعضی از آنها نقش علل "ارادی" را در استقرار یک دموکراسی پارلمانی دارند (بدین معنا که بدون آنها علل ساختاری بکار نمی‌آیند و حتی یک دموکراسی پارلمانی حداقلی هم نمی‌تواند استقرار پیدا کند). به بیان دیگر محققانی که تحت تأثیر جامعه‌شناسی ساختارگرا هستند بیشتر علاقه دارند این "علل ساختاری" را علل بلند مدت و علل ارادی را به نام علل کوتاه مدت ذکر کنند. چهارم، علل قید شده در جدول در اصل عللی مستقل از هم نیستند و بعضی از آنها با یکدیگر هم‌پوشانی دارند و جامعه ارتباط متقابل دارند. مثلاً رشد علت هفت به سایر علل یا رشد علت ۸ به علت هفت وابسته است یا علل یک، دو و سه هرکدام تعبیری از یک علت ساختاری‌اند. پنجم، در هیچ یک از نظریه‌های موجود دموکراسی به همه علل و روابط متقابل آنها اشاره نمی‌شود. در واقع هر نظریه، طرحی است که در آن دسته‌ای از علل بیش از سایر علل مورد توجه قرار می‌گیرند (یکی از علل گوناگونی طرح‌های نظری در توضیح دموکراسی این است که این طرح‌ها توسط محققین و جامعه‌شناسی که به پارادایم‌های گوناگون رشته جامعه‌شناسی وابسته‌اند، انجام می‌شود).

با توجه به ملاحظات فوق "طرح نظری پیشنهادی" برای تبیین اینکه چرا تاکنون دموکراسی‌خواهی ایرانیان به نتیجه نرسیده این است: در ایران اغلب علل ساختاری دموکراسی بطور نسبی وجود دارد، آنچه ضعیف است علل ارادی است. بدین معنا که در یکصد سال گذشته سیاست‌های نوسازی حکومت‌های پهلوی و جمهوری اسلامی و مبارزات اجتماعی - سیاسی اқشار گوناگون ایرانی میزانی از هر کدام از این هجده علت را در جامعه ایران شکل داده‌اند. در ستون آخر جدول، وضع این علتها بطور نسبی مشخص شده است (از این زاویه دید نمی‌توان گفت در ایران هنوز دموکراسی نیامده

است). با این همه دموکراسی حداقلی^۱ وقتی تأمین می‌شود که "علل ارادی" فعال شود. علل ارادی این است که حاملان و هواداران دموکراسی هنگام بروز "فرصت سیاسی" واجد سازماندهی جمعی و اراده مصمم برای پیگیری مؤلفه‌های دموکراسی در برابر مخالفان آن، باشند. در استفاده از فرصت‌های سیاسی هم دو عامل بیش از همه عوامل مؤثر است؛ یا مخالفان دموکراسی در حکومت دست از مخالفت خود بر دارند و یا اینکه قدرت عمل و انسجام هواداران دموکراسی از قدرت عمل مخالفان دموکراسی بیشتر باشد تا مطالبات دموکراتیک جامعه را بپذیرند. اگر دقت کنیم در نگاه تبیینی مذکور علل شماره هفده و هجده نقش محوری دارند (مقایسه کنید ارزیابی علل ساختاری را با علل ارادی مندرج در جدول). بر اساس این "طرح"، دموکراسی خواهی ایرانیان از یک طرف پیشرفت کرده زیرا در ایران علل زمینه‌ای تقویت شده است. از طرف دیگر این دموکراسی خواهی هنوز به یک دموکراسی حداقلی منجر نشده است. بدین معنا که هنوز هواداران دموکراسی نتوانسته‌اند، به رغم وجود فرصت‌های سیاسی، اصلاحات قانونی برای دموکراسی حداقلی را به مخالفان دموکراسی بقبولاند. افق دموکراسی خواهی هم در آینده هم طبق این طرح نظری به نحوه استفاده از فرصت‌های سیاسی، که یکی از شناخته‌شده‌ترین آنها مناسبت‌های انتخاباتی است (تیلی ۱۹۷۸)، بستگی دارد.

دفاع از طرح نظری

طبق طرح فوق ساختارهای جامعه ایران برای پذیرش یک دموکراسی حداقلی فراهم است. اما اینکه چرا هنوز این دموکراسی در ایران نهادینه نشده است به عوامل ارادی (و غیر ساختاری) چون میزان اراده و انسجام حاملان دموکراسی در استفاده از فرصت‌ها و یا میزان آمادگی مخالفان دموکراسی برای پذیرش سازوکارهای دموکراتیک بستگی دارد. اینک در برابر این طرح، حداقل دو انتقاد اساسی مطرح می‌شود. اول، اگر این نگاه تبیینی تفسیر کننده دموکراسی خواهی ایرانیان باشد معنای جامعه

۱- در اینجا تفکیک دموکراسی حداقلی از حداکثری ضروری است. دموکراسی حداکثری بیشتر ناظر به ویژگی‌های دموکراسی‌های لیبرال است. در نوع لیبرال حتی عبور از احکام مسلم دینی در قانون‌گذاری و در سیاست‌گذاری، به شرط آنکه بر آرای نمایندگان متکی باشد، ممکن است. اما دموکراسی حداقلی در برابر دموکراسی حداکثری و لیبرالی است و به دنبال اجرای سازوکارهای دموکراتیک در رتق و فتق امور سیاسی، بدون قصد عبور از احکام مسلم شرعی، در جامعه است.

شناختی آن این است که جامعه ایران جامعه‌ای متناسب با دموکراسی است اما جامعه سیاسی آن (منظور حکومت و فعالان سیاسی در گروه‌ها و گرایش‌های متنوع سیاسی) هنوز دموکراتیک عمل نمی‌کند. این نقد منصفانه است. به همین دلیل نگارنده در مقاله دیگری نشان داده که تیپولوژی‌هایی چون جامعه در حال گذار، جامعه در حال توسعه، جامعه نفتی (راتنی)، جامعه توده‌ای برای توصیف و تبیین جامعه کنونی ایران نارسا است و سعی کرده بجای آنها از تیپولوژی "جامعه نامتوازن دموکراتیک" دفاع کند.

دوم، تجربه رخدادهای مهم سیاسی در جامعه ایران چقدر ادعای نظری این نوشته را تأیید می‌کند؟ همانطور که اشاره شد مهمترین زمینه تجربی برای آزمون این ادعای نظری تجربه دموکراسی‌خواهی اخیر ایرانیان در جنبش مشهور به اصلاح‌طلبی ایران از ۱۳۷۶ به بعد است. در سال ۷۶ علامت اینکه ساختارهای جامعه ایران متناسب با دموکراسی (نگاه کنید به ارزیابی علل ساختاری در سطح لایه‌های زیرین جامعه و در سطح جامعه مدنی در جدول) است این بود که در شرایطی که در جامعه نارضایتی از وضع موجود وجود داشت و کثیری از مردم با معضلات معیشتی دست و پنجه نرم می‌کردند به آن کاندیدای رئیس جمهوری رأی دادند که شعار توسعه سیاسی و دموکراسی حداقلی می‌داد. با اینکه این پیروزی غیر منتظره (و حمایت بیش از بیست میلیون نفر از مردم ایران) در تقویت زمینه‌های ساختاری دموکراسی مؤثر بود (مانند تقویت علل چهار، پنج، شش، هشت، نه و ده) اما این به معنای نهادینه شدن سازوکارهای دموکراسی نیست. زیرا در طول این هفت سال موافقان دموکراسی به رغم زمینه‌های مساعد اجتماعی از چنان اراده و انسجامی برخوردار نبودند که بتوانند سازوکارهای دموکراسی را به مخالفان آن بقبولانند و به قانون تبدیل کنند.

طرح نظری فوق چه فوایدی دارد؟ برابر این طرح اولاً تأخیر در تحقق یک دموکراسی حداقلی در ایران، پدیده‌ای آنچنان پیچیده و غیر قابل فهم نیست و بیش از آنکه این پدیده، پیچیدگی نظری داشته باشد، مشکلات عملی دارد. بدین معنا که مسأله بر می‌گردد به بالادستی قدرت مخالفان دموکراسی و پایین دستی قدرت علاقمندان به دموکراسی. پایگاه اصلی قدرت علاقه‌مندان به دموکراسی معمولاً در اقشار متوسط شهری است، اما این اقشار وقتی در جامعه سیاسی مؤثر خواهند بود که از یک انسجام تأثیرگذار برخوردار باشند. در مقابل پایگاه قدرت مخالفان دموکراسی فقط در پایگاه اجتماعی آنها

نیست بلکه در حکومت و استفاده از نهادهای دینی و رسانه‌های ملی نیز هست (جلانی‌پور ۱۳۸۱: ۴۸-۳۴۰). ثانیاً بخاطر حضور نشانه‌های علل هجده‌گانه، جامعه ایران در شرایطی است که مطالبه سازوکارهای دموکراسی حداقلی بعید است که در آن خاموش شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مآخذ

- بودن، ریمون (۱۳۶۴)، *منطق اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات جاویدان.
- جلانی پور، حمیدرضا (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی*، تهران: انتشارات طرح‌نو.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۶)، *مدارا و مدیریت*، تهران: انتشارات صراط.
- شی یرمر، جرمی (۱۳۷۷) *اندیشه سیاسی کارل پوپر*، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: انتشارات طرح‌نو.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۹) *نقدی بر قرائت رسمی از دین*، تهران: انتشارات طرح‌نو.
- نش، کیت (۱۳۸۰) *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- هلد، دیوید (۱۳۷۸) *مدلهای دموکراسی*، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات روشنفکران و مطالعات زنان.

- Bottomore, Tom (1993) *Political Sociology*, 2nd edn. London, Pluto Press.
- Held, David et al. (1999) *Global Transformation: Policies, economics and culture*, Cambridge: Polity.
- Tilly, Charles (1978) *From Mobilization to Revolution*, Reading, Mass: Addison- Wesley.

توضیح در مورد منبع جدول

یکم: علل معرفی شده در جدول برداشت آزاد نگارنده از مطالعات (باتی مور ۱۳۶۶)، (کیت نش ۱۳۸۰)، (هلد ۱۳۷۸ و ۱۹۹۹)، (تیلی ۱۹۷۸)، (شی یرمر ۱۳۷۷) در زمینه دموکراسی و مطالعات متفکران دین‌شناسی چون (سروش ۱۳۷۶) و (شبستری ۱۳۷۹) است. دوم: بررسی وضعیت این علل در ایران در قالب چهار گزینه فاقد، ضعیف، متوسط و قوی مبتنی بر ارزیابی شخصی و نسبی نویسنده است و با مطالعات دقیق تجربی باید شدت و ضعف این علل را نشان داد. (اما این ارزیابی شخصی به معنای آن نیست که هیچکدام از صاحب‌نظران مسائل جامعه ایران چنین عقیده‌ای ندارند. نگارنده تاکنون با ده صاحب نظر جامعه‌شناس و اقتصاددان و متخصص در مسائل ایران گفت‌وگو داشته و اغلب آنان اعتقاد دارند علل زمینه‌ای برای تکوین دموکراسی در ایران فراهم شده است.)